

حق برداشتن سواد رسانه‌ای

مهناز بیات کمیتکی *

زین العابدین یزدان پناه **

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۹

چکیده

با آگاهی از تحولات شگرفی که به تبع تلاقی دو پدیده بسیار مهم «رسانه» و «تکنولوژی» در زیست جهان کنونی رقم خورده است، بر اساس یک رویکرد فاعلیت محور نسبت به حق‌های بشری، تضمین برخورداری از میزانی از آگاهی، اطلاعات و مهارت پیرامون رسانه‌ها که در جهان رسانه‌ای برای تصمیم آگاهانه در باب انتخاب‌های مهم زندگی و شکل‌گیری فهم موردنظر ما از زندگی ارزشمند ضرورت دارد، چالشی بنیادین تلقی می‌شود. از طرفی در کانون سواد رسانه‌ای انسانی قرار دارد که قادر است به مدد درک محدودیت‌های رسانه، تحلیل و ارزیابی انتقادی پیام‌های رسانه‌ای و استفاده آگاهانه از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی از استقلال برخوردار گردیده است و از چالش‌های فضای رسانه‌ای جدید به سلامت عبور کند. در این میان، حق برداشتن سواد رسانه‌ای تأکیدی است بر این امر که در جهان رسانه‌ای کوتاه نبودن افق فکری انسان و در نتیجه تحقق «فاعلیت هنجاری» (با شناخت رسانه پیوند خورده است. برای فهم بهتر چنین تحلیلی لازم است تا بخشی از تلاش‌های این نوشتار علاوه بر شناخت مفهوم حق و مبانی توجیه‌کننده آن، بر تأمل پیرامون اقتضائات زیستن در جهان رسانه‌ای معطوف باشد.

کلید واژگان:

جهان رسانه‌ای، حق‌های بشری، سواد رسانه‌ای، فاعلیت هنجاری.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

M_Bayat@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

Abedin_yazdanpanah@yahoo.com

مقدمه

اگر ظهور فضای رسانه‌ای جدید تحت تلاقی دو پدیده بسیار مهم «رسانه» و «تکنولوژی» و به تبع آن تحولات شگرفی که در «زیست جهان» انسان امروز رقم خورده خود فصلی تازه است، انسان امروز در این فصل تازه، شایستگی‌هایی فراتر از توانایی‌های معمول در زندگی سنتی پیشین را طلب می‌کند. در واقع کنش‌های لازم خود مقدمه‌ای است تا محق بودن او در عرصه‌های متنوع بازتعریف شود و تحت شرایطی گسترش یابد. حضور رسانه‌های خبری با پوششی گسترده به مثابه واسطه‌ای میان ما و حقیقت، تولید و ارسال اطلاعات بی مصرف به مقدار بسیار زیاد، ترویج خشونت، سکس و هرزه‌نگاری از طرق مختلف، نظیر بازی‌های کامپیوتری، کارتون و فیلم‌ها و هجوم همه‌جانبه تبلیغات سودجویانه، همگی آغازگر طرح این پرسش بنیادین‌اند که از جمله اقتضات زیستن در این «جهان رسانه‌ای» کدام است؟ در همین راستا، تأکید بر تمرکز و تحقیق پیرامون «حق برداشتن سواد رسانه‌ای» تلاشی است به منظور تضمین آنکه انسان امروز در جهان رسانه‌ای، قادر باشد تا مسائلی که جهان ما را به پیش می‌راند، فهم کند و در عین حال در چنین موقعیتی از «تفکر انتقادی» در مواجهه با رسانه‌ها بهره‌مند باشد.

در همین راستا سیاست‌ها در سطح اتحادیه اروپا در ارتباط با سواد رسانه‌ای (به طور مستقیم و غیرمستقیم) متنوع است و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در بردارد. علاوه بر ارکان اتحادیه اروپا، سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه یونسکو نقش مرتبگی در جلب توجه کشورهای عضو و ترویج مفهوم سواد رسانه‌ای در جامعه بین‌المللی داشته و دارند. به همین منظور شایسته است تا با تأمل و تحقیق پیرامون تحرکات مورد اشاره و بررسی چهارچوب حقوقی آنها در سازمان‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و نظام‌های حقوقی داخلی، امکانات پیش‌رو به منظور سخن گفتن از «حق برداشتن سواد رسانه‌ای» را روشن سازیم. پرسش بنیادینی که به نظر می‌رسد پاسخ بدان در اینجا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، آن است که آیا می‌توان با تکیه بر مبانی موجه‌ساز حق از سواد رسانه‌ای ذیل عنوان حق ادعا دفاع کرد؟ پاسخ به این پرسش بنیادین خود در گرو پاسخ به چند پرسش فرعی است: سواد رسانه‌ای به چه معناست؟ مبانی موجه‌ساز حق‌های

بشری کدام‌اند؟ و نهایتاً اینکه آیا نظام‌های حقوقی داخلی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در مسیر شناسایی برخورداری از سواد رسانه‌ای به‌مثابه «حق - ادعا» گام برداشته‌اند؟

پیش‌فرض این مقاله آن است که از آنجایی که مفهوم سواد رسانه‌ای به فهم و دانشی اشاره دارد که به واسطه تجهیز شهروندان به تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله، آنان را در برابر رسانه‌ها به مصرف‌کنندگانی مطلع و مولد اطلاعات بدل می‌کند تا ضمن استفاده از فرصت‌های فضای رسانه‌ای جدید از چالش‌های آن به‌سلامت عبور کنند، امکان اینکه سواد رسانه‌ای با تکیه بر مبانی ساز حق، یعنی «کرامت ذاتی» و «فاعلیت هنجاری»، ذیل عنوان «حق - ادعا» مورد دفاع قرار گیرد، با توجه به «اقتضانات عصر جدید» به نحو پسینی وجود دارد.

۱. مفهوم‌شناسی سواد رسانه‌ای

در این قسمت از نوشتار حاضر، نخست به تبیین و تحلیل مفهوم سواد رسانه‌ای در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای می‌پردازیم و در گام بعدی چگونگی بازتاب مفهوم سواد رسانه‌ای در نظام‌های حقوقی داخلی را رصد خواهیم کرد، تا درنهایت تصویری روشن و همه‌جانبه از مفهوم سواد رسانه‌ای در خزانه خرد جمعی شکل گیرد.

۱.۱. بازخوانی تعریف سواد رسانه‌ای در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی

امروزه ما به‌طور مستمر با حجم انبوهی از پیام‌های رسانه‌ای روبه‌رو هستیم. پیام‌ها ابزارهای انتقال اطلاعات به ما هستند. این پیام‌ها می‌توانند در قالب رسانه‌های جمعی متنوعی ارائه شوند. حذف جمله^۱ از آنجایی که که جوامع ما به‌واسطه تکنولوژی‌های رسانه‌ای تغییر شکل می‌یابند و به تبع آن فهم ما از خود، جوامع و فرهنگ‌های گوناگون دچار تحول می‌شود؛ سواد رسانه‌ای نیز به‌عنوان یکی از مهارت‌های ضروری زندگی در قرن بیست و یکم جلوه‌گر می‌گردد.^۲

در همین راستا {حذف جمله}،^۳ مطابق «قطعنامه سواد رسانه‌ای در جهان دیجیتال» مصوب پارلمان اروپا، هدف سواد رسانه‌ای آن است که مردم را قادر سازد تا بتوانند از رسانه‌ها و محتوای

1. Potter, J. *media literacy*, university of California, Santa Barbara, 2011, 5th edition, p 14.

2. Baker, F. "Celebrating National Literacy Month: Media Literacy", *School Library Media Activities monthly*, v 21, number 1, 2004, p. 50.

3. Recommendation on **Media Literacy in the Digital Environment for a More Competitive Audiovisual and Content Industry and an Inclusive Knowledge Society**, →

آن به شیوه‌ای ماهرانه و مبتکرانه بهره‌برند، محصولات رسانه‌ای را به شیوه‌ای منتقدانه تحلیل کنند، بفهمند که صنعت رسانه چطور کار می‌کند و خود بتوانند پیام رسانه‌ای تولید کنند.^۱

مطابق بند ۴۷ مقدمه «دستورالعمل خدمات رسانه‌ای صوتی و تصویری» مصوب پارلمان اروپا، سواد رسانه‌ای به مهارت، دانش و فهمی اشاره دارد که به مخاطبان رسانه اجازه می‌دهد که به‌صورت امن و کارا از رسانه بهره‌برند و افراد مجهز به سواد رسانه‌ای قادر به اعمال انتخاب آگاهانه، فهم ماهیت محتوا و خدمات رسانه‌ای و استفاده از طیف گسترده خدمات ارائه‌شده از جانب تکنولوژی‌های رسانه‌ای باشند. همچنین آنها به شکل بهتری قادر باشند تا از خود و خانواده‌هایشان در برابر محتوای مجرمانه و مضر در فضای رسانه‌ای محافظت کنند.^۲

افزون بر این، در طول سال‌های اخیر، یونسکو^۳ نقش ویژه‌ای را در ترویج مفهوم سواد رسانه‌ای ایفا کرده است. اسناد اخیر یونسکو مطابق رویکردی که از پیش‌پی‌ریزی شده از اصطلاح «سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی»^۴ استفاده می‌کنند. {حذف جمله}.^۵

سواد اطلاعاتی بر درک نیازمند بودن به اطلاعات و بیان تفصیلی آن نیاز، تعیین محل و دست یافتن به اطلاعات، ارزیابی منتقدانه اطلاعات، بهره‌بردن از ایده‌های استخراج‌شده از محتوا و انتقال مسئولانه و اخلاقی به مخاطب از طریق رسانه مقتضی متمرکز است {حذف جمله}.^۶

از این‌رو، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به ترکیبی از دانش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و تجربیات موردنیاز برای دستیابی، تحلیل، ارزیابی، استفاده و تولید اطلاعات به‌صورت خلاقانه، قانونی و اخلاقی با تأکید بر حقوق انسانی، اطلاق شده است.^۷

←2009, at 3.4. available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32009H0625>(last visited: 2017-09-13).

1. European Parliament Resolution on **Media Literacy in a Digital World**, 2008, available at: <http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=-//EP//TEXT+TA+P6-TA-2008-0598+0+DOC+XML+V0//EN>(last visited: 2017-09-13).

2. **Audiovisual Media Services Directive**/ 2010. available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX%3A32010L0013>(last visited: 2017-09-13).

3. The United Nations Scientific, Educational and Cultural Organization.

4. Media and Information Literacy (MIL).

5. tornero, j. M. P, "Media literacy—new conceptualization, new approach". In u. Carlsson, s. Tayie, g. Jauinot-delaunay & j. M. Perez tornero (eds.) Empowerment through media education—an intercultural dialogue Goteborg, Sweden: NORDICOM, 2008, p. 105.

6. *Media and information literacy, policy and strategy guidelines*, published in 2013 by the united nations educational, scientific and cultural organization, France Communication and Information Sector, pp. 47-48. available at: <http://www.unesco.org>

7. **The Moscow Declaration on Media and Information Literacy**, 2012, available at: <http://www.unesco.org>

در همین راستا، چنانچه از یک سو بپذیریم که «سواد اطلاعاتی» مورد نظر یونسکو در عنوان «سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی» تماماً از حضور تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر رویکرد اروپایی سواد رسانه‌ای نیز توانایی استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی را در کنار تفکر انتقادی در برابر رسانه‌ها دربرمی‌گیرد، می‌توان سواد رسانه‌ای را به‌طور جامع و کامل چنین تعریف کرد: مجموعه مهارت‌ها و نگرش‌هایی که شهروندان را در راستای فهم رسانه و ارزیابی انتقادی پیام‌های رسانه‌ای و استفاده مؤثر، خلاقانه و امن از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی توانمند می‌سازد.

بنابراین به کمک تفصیل پیش‌گفته، می‌توان از دو ره‌آورد «حفاظت» از تأثیرات نامطلوب رسانه‌ای و «توانمندسازی» به منظور استفاده آگاهانه و خلاقانه از فرصت‌های ارائه‌شده از سوی تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای پیوند مباحث مربوط به مفهوم‌شناسی سواد رسانه‌ای بهره برد.

۱.۲. سواد رسانه‌ای در نظام‌های حقوقی داخلی

با وجود تلاش‌های صورت گرفته در مجامع بین‌المللی، ارائه تصویری از درج تعریف مورد نظر ما در نظام‌های حقوقی داخلی و درک فصل مشترک همه این تعاریف در فهم بهتر «سواد رسانه‌ای» راهگشا خواهد بود.

به‌طور کلی، تعریف رسمی سواد رسانه‌ای در اسناد قانونی به‌مثابه پی‌ریزی‌کننده سیاست‌های مربوط به «آموزش رسانه» و تقویت «سواد رسانه‌ای» در کشورهای مختلف قابل مشاهده است. به عنوان مثال، در کشور رومانی شورای ملی سمعی و بصری^۱ به‌موجب قانون^۲ سال ۲۰۰۸ به منظور تقویت «آموزش رسانه» در کشور مأموریت یافته است تا آگاهی عمومی را درباره این‌که چطور از آثار سمعی و بصری به‌طور مؤثر و امن استفاده کنند، افزایش دهد.^۳

1. the Romanian National Audiovisual Council (C.N.A).

2. Article 10, (3i) of the **Romanian Audiovisual Law**.

3. STANILA, C. And FOTIADE, N. "Media and Information Literacy Policies in Romania", ANR *TRANSLIT* and COST "Transforming Audiences/Transforming Societies", 2014, P. 14.

در ترکیه مطابق تحولات سال ۲۰۱۱ در قانون،^۱ ترویج سواد رسانه‌ای برای گروه‌های مختلف جامعه با همکاری وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای دولتی در زمره مسئولیت‌های شورای عالی رادیوتلوویزیون^۲ قرار گرفته است.^۳ سواد رسانه‌ای در این کشور بر خوانش متون رسانه‌ای، به ویژه برنامه‌های تلویزیونی، با تأکید با هدف درک قدرت رسانه در برجسته کردن و تحمیل عقاید خاص متمرکز است.^۴ همچنین از سال ۲۰۱۳ در برنامه تحصیلی آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس اصلاحات عمده‌ای صورت گرفت که مهارت‌های مربوط به دسترسی، تحلیل، ارزیابی و ایجاد محتوا از نقاط محوری آن به شمار می‌آیند.^۵

در فنلاند آموزش رسانه از دهه ۱۹۷۰ در برنامه درسی مدارس این کشور دنبال می‌شود.^۶ از جمله در خط‌مشی مصوب دولت به منظور رفاه کودکان، جوانان و خانواده‌ها در سال ۲۰۰۷ به اهداف مورد نظر سواد رسانه‌ای ذیل عناوینی همچون «امنیت محیط رسانه‌ای»، «توانمندی در تولید محتوای رسانه‌ای» و کسب مهارت‌های مربوط به فهم رسانه، تبلیغات و بازاریابی رسانه‌ای اشاره شده است.^۷

در جمهوری چک در سند مربوط به چهارچوب برنامه تحصیلی که در سال ۲۰۰۷ برای اجرای قانون آموزش و پرورش سال ۲۰۰۴ به تصویب وزارتخانه مربوطه رسیده است، در تعریف سواد رسانه‌ای آمده است که «سواد رسانه‌ای به دسته‌ای از دانش‌ها و مهارت‌ها اشاره دارد که

1. Law No. 6112 on the **Establishment of Radio and Television Enterprises**. available at: <http://www.cna.ro/The-Audio-visual-Law,1655.html> (last visited: 2017-09-13).

2. Radio and Television Supreme Council.

3. *ibid*, article 37.

4. Oguzhan, o. and Haydari, N. "The state of media literacy in Turkey", *Procedia Social and Behavioral Sciences* 15, 2011, p 2829.

5. Hobbs, R. AND Tuzel, S. "Teacher motivations for digital and media literacy: An examination of Turkish educators", *British Journal of Educational Technology*, 2015, P4.

6. Kotilainen, S. AND Kupiainen, R. "Media and Information Literacy Policies in Finland", *ANR TRANSLIT and COST "TRANSFORMING AUDIENCES/TRANSFORMING SOCIETIES"*. 2014.

7. **THE FINNISH GOVERNMENT'S CHILD AND YOUTH POLICY PROGRAMME 2007–2011**, Ministry of Education Department for Cultural, Sport and Youth, 32, 35.

available at: <https://julkaisut.valtioneuvosto.fi/bitstream/handle/10024/78977/opm21.pdf?sequence=1> (last visited: 2017-09-13).

استفاده آگاهانه و کارآمد از رسانه‌ها را ممکن می‌سازد و شیوه‌ای را که بتوان به‌واسطه آن به اهداف مستتر در تولیدات رسانه‌ای پی برد، به ارمغان می‌آورد.^۱

در دستورالعمل صادره از سوی وزارت آموزش و پرورش ایتالیا^۲ در سال ۲۰۱۲ در راستای هدایت برنامه‌های آموزشی مدارس، بیان می‌گردد که: «دانش‌آموزان باید توانایی استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی را با رویکردی انتقادی به منظور جست‌وجوی تحلیلی اطلاعات، تشخیص اطلاعات قابل اعتماد از اطلاعات غیرقابل اعتماد و تعامل با سایر مردم به دست آورند.»^۳

در اسلواکی مصوبه سال ۲۰۰۹ دولت با عنوان «مفهوم آموزش رسانه در اسلواکی در زمینه یادگیری مادام‌العمر» به ایجاد رویکرد انتقادی در برابر رسانه‌ها و استفاده مؤثر از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و حفاظت از کودکان و نوجوانان در برابر تهدیدات ارائه شده از سوی تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی اشاره کرده است.^۴

در استرالیا مطابق دستورالعمل آموزش رسانه^۵ در سال ۲۰۰۱ با هدف اجباری کردن آموزش رسانه در همه مدارس، سواد رسانه‌ای چنین تعریف شده است: «مهارت تکنیکی، توانایی انتخاب و قضاوت راجع به پیام‌های رسانه‌ای و استفاده از رسانه‌ها در جهت رفع نیازهای ارتباطی»؛ اگرچه با اصلاحیه سال ۲۰۱۲، «دستورالعمل آموزش رسانه» در این کشور نسبت به گذشته بیش‌ازپیش بر استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی متمرکز شده است.^۶

مطابق اصلاحیه سال ۲۰۱۰ قانون ایستگاه‌های رادیوتلوویزیون در قبرس سواد رسانه‌ای عبارت است از: «مهارت‌های مربوط به دسترسی، فهم و ارزیابی انتقادی جنبه‌های مختلف رسانه

1. **the Framework Educational Program for Secondary General Education**, 2007, p 78. available at: www.nuv.cz/file/161_1_1/ (last visited: 2017-09-13).

2. "Indications for the curriculum", 2012, (ITALY).

3. Aroldi, P. and Francesca, M. Maria. "Media and Information Literacy Policies in Italy", *ANR TRANSLIT AND COST "TRANSFORMING AUDIENCES/TRANSFORMING SOCIETIES"*, 2014. p 4.

4. **Concept of Media Education in the Slovak Republic in the Context of Lifelong Learning**, December 2009. available at: <http://merlin.obs.coe.int/iris/2010/5/article40.en.html> (last visited: 2017-09-13).

5. The Media Education Decree Of 2001.

6. Trültzsch-Wijnen, Christine W. "Media and Information Literacy Policies in Austria", *ANR TRANSLIT and COST "Transforming Audiences/Transforming Societies"*, 2014, pp. 6,7.

و محتوای آنها و توانایی بیان در طیف متنوعی از شکل‌های ارتباطی به ویژه از طریق تکنولوژی‌های جدید.^۱

در بلژیک، مطابق تعریف سال ۲۰۱۲ وزارت آموزش و پرورش از مفهوم سواد رسانه‌ای،^۲ سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانشی است که به شهروندان اجازه می‌دهد تا با جهان رسانه‌ای در حال تغییر و پیچیده کنونی به شیوه‌ای انتقادی و آگاهانه تعامل داشته باشند. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای توانایی استفاده از رسانه‌ها به شیوه‌ای فعالانه و خلاق باهدف مشارکت اجتماعی است.^۳

در ایرلند، از دیرباز در نظام آموزشی این کشور مفاهیم مربوط به سواد رسانه‌ای اعم از مهارت‌های مرتبط با تفکر انتقادی و خلاقیت و تولید در زمینه‌های مختلف به‌ویژه رسانه‌ها ارائه می‌شوند.^۴ در خطمشی سال ۲۰۱۷ اداره رادیو و تلویزیون ایرلند که به موجب قانون سال ۲۰۰۹ در راستای ترویج سواد رسانه‌ای در ایرلند مأموریت یافته است، می‌خوانیم: «سواد رسانه‌ای در تجهیز شهروندان به دانش و مهارت‌های مربوط به فهم و ارزیابی انتقادی رسانه‌ها و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی و مدرن به منظور بررسی صحت اطلاعات، مقابله با تصویرگری غیرمنصفانه و نادرست و به چالش کشیدن دیدگاه‌های افراطی و درنهایت تحقق انتخاب‌های رسانه‌ای آگاهانه امری کلیدی است. سواد رسانه‌ای همچنین شهروندان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای خلاقانه و امن رسانه‌ها و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی را به کار گیرند.»^۵

۲. سواد رسانه‌ای به مثابه حق

به واسطه آنکه «انسان بودن» محور برداشت شناخته شده از حق‌های بشری به شمار می‌آید و «برخورداری از حق‌های بشری» با «عضوی از جامعه انسانی بودن» گره می‌خورد، این پرسش

1. **The Radio and Television Broadcasters Law**, article 30c. available at: <http://www.cra.org.cy/applications/assets/FINAL%20CONSOLIDATED%20LAW%202016.3.17.pdf> (last visited: 2017-09-13).

2. Concept Brief Media Literacy.

3. Audenhove, L. "Media and Information Literacy Policies in Belgium". *ANR TRANSLIT and COST "Transforming Audiences/Transforming Societies"* 2014. P. 3.

4. Ibid, p 15.

5. **Media Literacy Policy**, Broadcasting Authority of Ireland, 2017. available at: <http://www.bai.ie/en/bai-launches-media-literacy-policy/> (last visited: 2017-09-13).

بیش از پیش به ذهن متبادر می‌شود که انسان واجد چه حیثیتی است که حق را فقط به او و نه موجودی دیگر نسبت می‌دهیم؟ از همین روست که سخن از مبانی موجه‌ساز حق امری اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. اگر به این پرسش پاسخ دهیم که این کدام ویژگی در انسان است که او را واجد ارزش نامشروط و غیرقابل زوال می‌سازد، آنگاه می‌توان رسالت انواع حق در حفظ کرامت انسانی را به پاسداری از آن گوهر تقلیل داد و از رهگذر ارتباطی که میان ادعاهای هنجاری و آن گوهر انسانی وجود دارد، مصادیق بیرونی حق را تعیین نمود. به همین منظور، از عنصر فاعلیت هنجاری در راستای رفع ابهام از مفهوم کرامت ذاتی و پرده برداشتن از آن گوهر انسانی سخن خواهیم گفت.

۲.۱. مبانی موجه‌ساز حق؛ از کرامت ذاتی تا فاعلیت هنجاری^۱

ما انسان‌ها از این توانایی بهره‌مندیم که با تصور و طراحی یک برنامه برای زندگی، نزد خود تصویری از آنچه زندگی ارزشمند نامیده می‌شود، را شکل دهیم و همچنین از این توانایی برخورداریم که در راستای تحقق آن گام برداریم. قابلیت مذکور نزد انسان‌ها موهبتی بسیار ارزشمند تلقی می‌شود و از حق‌های بشری نیز می‌توان به‌عنوان حفاظت از «فاعلیت» یا «شخص بودن» انسان یاد کرد.

به‌منظور فاعل بودن، شخص ابتدا باید خود مسیر زندگی‌اش را انتخاب کند؛ یعنی مورد سلطه یا کنترل چیزی یا کسی دیگر نباشد (خودمختاری). اما بعد از انتخاب کردن مسیر، شخص باید قادر باشد تا آن را تحقق ببخشد؛ به این معنا که باید از منابع مادی و ظرفیت‌هایی که بدین منظور لازم است، بهره‌مند باشد و در پایان هیچ‌یک از اینها ثمری نخواهد داشت اگر او در مسیر عینیت بخشیدن به اهدافی که ذیل تصور و طرح و برنامه‌اش از یک زندگی ارزشمند معنا یافته‌اند، با مانع مواجه شود (آزادی).^۲

آنچه ما به آن احتیاج داریم، تصویری هنجاری از فاعلیت است، استقلال و آزادی به‌عنوان دو عنصر شکل‌دهنده‌ی فاعلیت ارزش ویژه‌ای برای ما دارند؛ بنابراین لازم است تا از آنها ذیل

1. normative agency.

2. Griffin, J. "first steps in an account of human rights", *European Journal of Philosophy*, Volume 9, Issue 3, 2001, p. 311.

حق‌های بشری به شکل ویژه‌ای پاسداری کرد؛ بنابراین حقوق بشر، حق‌هایی هستند که برای فاعلیت هنجاری ما ضرورت دارند.^۱

بنابراین، مطابق عنصر «فاعلیت هنجاری» در توجیه حقوق بشر، انسان می‌تواند از رهگذر انتخاب مجموعه‌ای از اهداف، به تصور و طراحی یک مسیر و برنامه برای زندگی خویش مبادرت نموده، در راستای تحقق آن گام بردارد. این توانایی اهمیت و ارزش ویژه‌ای برای ما دارد؛ به گونه‌ای که سلب این توانایی معادل سلب شخصیت و گوهر انسانیت خواهد بود. از این رو، برای این وجه از حیات انسان آن قدر اهمیت و ارزش قائلیم که با نهاد حق به حمایت از آن می‌پردازیم. وقتی ما به حق‌های بشری به عنوان آنچه در راستای تحقق «فاعلیت هنجاری» ضرورت دارد می‌نگریم، درمی‌یابیم که سه دسته وسیع از حق‌های بشری وجود دارد. حقوق مرتبط با استقلال یا خودمختاری، حقوق مرتبط با آزادی و حقوق رفاهی. به تعبیر دیگر در سطح حق‌های بشری جهانی با سه حق دسته اول مواجهیم که هر یک از این حق‌های دسته اول، یعنی حق بر خودمختاری^۲، حق بر آزادی^۳ و حق بر رفاه^۴، به طیف متنوعی از حق‌های معین ختم می‌شوند.^۵

ما حق بر خودمختاری داریم، در زندگی خصوصی این بدین معناست که در تصمیم‌های شخصی اصلی که برای زندگی مان می‌گیریم، پدر و مادر یا سایر اشخاص دارای قدرت نباید اراده خود را بر ما تحمیل کنند؛ مانند حق بر مصونیت از شکنجه. حق بر آزادی به معنای انجام دادن هر آنچه شخص می‌خواهد، نیست. مراد از حق بر آزادی، آزادی در انجام امری است که برای تحقق «فاعلیت هنجاری» انسان ضرورت دارد.^۶ بنابراین حق بر آزادی مبنایی است برای حق‌های استاندار لیبرالی همچون آزادی بیان، آزادی عقیده و مذهب و آزادی اجتماع.^۷ پس از حق بر خودمختاری و آزادی سومین مقوله از حق‌های دسته اول، حق بر رفاه است. نه به عنوان داشتن حق بالایی از رفاه، بلکه داشتن سطحی از رفاه که برای فاعلیت هنجاری ضروری است.^۸

1. Ibid, p 319.

2. Right to autonomy.

3. Right To Liberty.

4. Right To Welfare.

5. Griffin, J. *On Human Rights*, Oxford: Oxford University Press, 2008, p 149.

6. Griffin, J., *Discrepancies Between ...*, op. Cit, p. 7.

7. Ibid, pp. 167-168.

8. Ibid, p. 150.

9. Ibid, p 180.

این یعنی حق بر «تأمین مادی حداقلی»^۱ که فراتر از صرف امرار معاش و درعین حال پایین‌تر از سطح عمومی رفاه در جوامع غربی معاصر است.^۲

بنابراین در چهارچوب حقوق رفاهی به‌منظور «تأمین مادی حداقلی» حق‌هایی همچون بهداشت اولیه، تأمین اجتماعی، داشتن زمانی برای فراغت از کار و داشتن حداقلی از درآمد از جمله حمایت‌هایی است که برای ایجاد ظرفیت لازم به‌منظور تعقیب فهم شخص از زندگی ارزشمند و نهایتاً تحقق فاعلیت هنجاری ضرورت دارند.^۳

پیداست که مبانی موجه‌ساز پیش‌گفته در این نوشتار، بر تمامی ادعاهایی که با نام حقوق بشر طرح و درج می‌شوند، نمی‌تواند مهر تأیید بزند. بلکه فقط آن دسته از ادعاها را می‌توان زیر عنوان حق جای داد که ربط مستقیم با کرامت و فاعلیت هنجاری انسان دارند؛ یعنی بدون آنها فاعلیت هنجاری و به تبع آن کرامت اشخاص پایمال می‌شود. اکنون زمان آن رسیده است تا با اساسی‌ترین پرسش این نوشتار مواجهه ای بی‌پرده داشته باشیم: آیا می‌توان از حق برداشتن سواد رسانه‌ای سخن گفت؟

۲.۲. حق بر داشتن سواد رسانه‌ای؛ امکان یا امتناع؟

برای فهم مجموع مهارت‌ها و نگرش‌های ذیل سواد رسانه‌ای از دو کلیدواژه اساسی، یعنی «تجهیز و توانمندسازی» و «تفکر انتقادی و حفاظت» برای تبیین بهتر مفهوم سواد رسانه‌ای بهره می‌بریم؛ در همین راستا، به‌منظور امکان‌سنجی حق بر داشتن سواد رسانه‌ای، لازم است تا هریک از این دودسته توانمندی‌ها را به‌طور جداگانه از منظر ضرورتی که برای تحقق فاعلیت هنجاری اشخاص دارند، مورد بررسی قرار دهیم تا چنانچه چنین ضرورتی قابل‌پذیرش است، برای تأمین آن به نهاد حق متوسل گردیده، از حق بر داشتن سواد رسانه‌ای دفاع کنیم.

1. Minimum Material Provision.

2. Ibid, p. 183.

3. see: Griffin, J. "Welfare Rights", *The Journal of Ethics*, Volume 4, Issue 1-2, 2000, pp. 27-43.

۲.۲.۱. تفکر انتقادی و حفاظت

امکان‌سنجی حق برداشتن سواد رسانه‌ای بدین معنا است که آیا می‌توان بر مبنای فاعلیت هنجاری از حق برداشتن سواد رسانه‌ای، به‌مثابه حق- ادعایی که تکلیف مستقیم دولت در تقویت آن را به همراه دارد، سخن گفت؟

سواد رسانه‌ای در پی آن است تا از طریق «آموزش رسانه» به تحقق فرهنگ تعامل با رسانه، ایجاد مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی، درک و تفسیر و تحلیل و ارزیابی متون رسانه‌ای و آموزش اشکال متنوع خود ابرازی با استفاده از تکنولوژی‌های رسانه‌ای مدد برساند؛^۱ بنابراین در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان بر مبنای فاعلیت هنجاری از تکلیف دولت به تقویت سواد رسانه‌ای سخن گفت یا خیر، لازم است تا از پرسشی بنیادی‌تر آغاز کرد: اساساً چرا اشخاص به‌منظور تحقق فاعلیت هنجاری از حق برداشتن سواد رسانه‌ای برخوردارند؟

در چهارچوب نظریه فاعلیت محور ما در توجیه حق‌های بشری، فاعل کسی است که در گام اول، خود اهداف زندگی‌اش را مشخص می‌کند، بدین معنا که ما نباید تحت سلطه و کنترل دیگری باشیم تا بتوانیم خود برای زندگی‌مان تصمیم بگیریم؛ اما به‌منظور اینکه تصمیمات ما آگاهانه باشد، باید از آموزش پایه، دسترسی به اطلاعات و همچنین دسترسی به افکار سایرین بهره‌مند باشیم. با این توضیح که در چهارچوب فاعلیت هنجاری هر جا از صفت «پایه‌ای»^۲ استفاده می‌کنیم، به سطحی اشاره می‌کنیم که فراتر از صرف زنده ماندن و گذران عمر، برای زیستن در مقام یک فاعل به معنای بهره‌مندی از خودمختاری و آزادی و در نتیجه «شخص بودن»^۳ ضرورت دارد. بنابراین مطابق رویکرد فاعلیت‌محور نسبت به حق‌های بشری ما از حق برداشتن سواد رسانه‌ای برخورداریم؛ چراکه به‌منظور فاعل بودن، گام اول آن است که شخص بدون مداخله دیگری، خود مسیر زندگی‌اش را تعیین کند؛ بدین منظور که انتخاب‌های شخص در مسیر زندگی واقعی باشند، همچنین شخص باید از حداقل معینی از آموزش و اطلاعات بهره‌مند گردد.^۴ همچنین می‌توان با همین منطق اما با زبانی متفاوت از لزوم حق برداشتن سواد رسانه‌ای فاعلیت هنجاری سخن گفت. همان‌طور که گذشت، حقوق بشر علاوه بر اینکه از وجود آن دو ظرفیت

1. Fedorov, A. "On Media Education". Moscow: ICOS UNESCO IFAP (Russia), 2008, P. 6.

2. Basic.

3. Griffin, J. (2001), "Discrepancies Between"..., op. Cit, p. 7.

4. Griffin, J. (2001), "first steps in an account of human rights", op. Cit, p. 311.

(استقلال و آزادی) در فرد محافظت می‌کند، به دنبال تأمین شرایطی نیز باید باشد که اعمال آن دو ظرفیت را امکان‌پذیر می‌سازد. توانایی «فاعل بودن» و داشتن ظرفیت برای آن یک امر است، به کار بستن و عملیاتی کردن آن ظرفیت، امری دیگر است. در همین راستا لازم است تا افق‌های فکری انسان خیلی کوتاه نباشد. ما باید درباره‌ی گزینه‌هایی که زندگی در برابر ما قرار می‌دهد یا در چهارچوب ظرفیت‌های انسانی قابل دست‌یافتن است، آگاهی نسبی داشته باشیم؛ چراکه در غیر این صورت، فقدان گزینه‌های لازم برای انتخاب در مسیر زندگی نقض آزادی ما به شمار می‌آید. انتخاب‌های ما باید با میزان مقبولی از آگاهی همراه باشند و باسواد بودن این مهم را برآورده می‌سازد. علاوه بر این، ما برای آنکه بتوانیم در راستای تحقق اهدافمان گام برداریم، لازم است تا از برخی مهارت‌ها و حدی از دانش درباره‌ی جهان، به‌ویژه دنیایی که ورای تجربه‌ی مستقیم ما حضور دارد، بهره‌مند باشیم.^۱

اکنون می‌توان به این پرسش پرداخت که آیا در «جهان رسانه‌ای» می‌توان ذیل حق بر داشتن سواد رسانه‌ای ادعا کرد که تقویت «سواد رسانه‌ای» برای پاسداری از فاعلیت هنجاری اشخاص اجتناب‌ناپذیر است؟

مارتین هایدگر در کتاب *پرسش از تکنولوژی* اظهار داشت: «جوهر تکنولوژی نحوه‌ای از آشکار کردن هستی است.»^۲ منطق حاکم بر این کشف حجاب از هستی «چارچوب‌بخشی»^۳ به جهان است. برای انسان مدرن این تکنولوژی است که به‌منزله‌ی چارچوبی برای هرگونه فهم عمل می‌کند؛ بدین معنا که تکنولوژی چهارچوبی را فراهم می‌سازد که ما جهان را به‌واسطه‌ی آن چهارچوب می‌فهمیم.^۴

اگر تعبیر هایدگر از ماهیت تکنولوژی را بپذیریم و آن را نحوه‌ای از آشکار کردن هستی تلقی کنیم، تکنولوژی‌های رسانه‌ای جدید نیز نحوه‌ای از آشکار کردن هستی‌اند که نوع خاصی از جهان را برای ما آشکار می‌کنند، اما این آشکارسازی نوعی «نظم‌بخشیدن» یا «قالب‌بندی» خاص

1. Griffin, J. (2008), op. Cit, p, 47.

۲. هایدگر، مارتین، پرسش از تکنولوژی، ترجمه‌ی شاپور اعتماد، ارغنون، سال اول، ۱۳۷۳، شماره ۱، ۳۰-۱، ص ۸.

۳. هایدگر از واژه آلمانی گشتل (GESTELL) استفاده می‌کند، بامعناى تحت‌اللفظی «چارچوب‌بخشی» (ENFRAMING).

۴. جانسون، پ. آ. هایدگر، ترجمه‌ی بیژن عبدالکریمی، تهران: نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸.

جهان نیز هست.^۱ بنابراین آنها ابزارهایی خنثی در انتقال پیام نیستند و از نوعی عاملیت برخوردارند.

به عبارت دیگر، حوادث و رویدادهای بی‌شماری مستقل از انسان‌ها و رسانه‌ها روی می‌دهند؛ لیکن صرفاً تعداد انگشت‌شماری از این رویدادهای بی‌کران عالم است که با رسانه‌ای شدنشان وارد عالم انسانی ما می‌شوند؛ فی‌الواقع جهان ما متنی است که در رسانه‌ها پدیدار می‌گردد؛ اگر حادثه‌ای روی بدهد و رسانه‌ها آن را منعکس نکنند، گویی آن حادثه اتفاق نیفتاده است.^۲ آموختیم که رسانه‌ها مجموعه‌ای از ابزارها نیستند، درست همان‌گونه که در انقلاب صنعتی اول در قرن هجدهم چنین نبود که صرفاً ابزارهایی به جهان افزوده شده باشد، بلکه با انقلاب در حوزه صنعت، زیست‌جهان بشر دگرگون شد، یک دوره تاریخی به پایان رسید و یک دوره تاریخی جدید آغاز گردید؛ دهقان‌ها برای کسب کار به شهرها هجوم آوردند و به کارگر تبدیل شدند، شهرها گسترش پیدا کردند، حاشیه‌نشینی گسترده شد، خانواده هسته‌ای شکل گرفت، رابطه زن و مرد دگرگون شد و ما وارد دنیای جدیدی شدیم که درواقع دنیای مدرن می‌نامیم و این دنیای مدرن از دنیای سنتی بسیار متفاوت است؛ یعنی درواقع فهم‌ها، تفسیرها، مفاهیم و مقولات دگرگون شد. به همین ترتیب، در خصوص تحولاتی که در حوزه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گرفت و از آن به «انقلاب صنعتی دوم» یاد می‌شود، نیز نباید این درک را داشت که صرفاً پاره‌ای از ابزارها به ابزارهای موجود در جهان افزوده گردیده است. بلکه بار دیگر زیست‌جهان بشر در حال دگرگون شدن است؛ و نون نیز تحت تأثیر هایدگر بر این عقیده است که درواقع رسانه‌های جدید نیز به نحوی جهان ما را شکل می‌دهند و جهان کنونی یک جهان رسانه‌ای شده است؛^۳ بدین معنا که گویی جهان کنونی به یک متن تبدیل گردیده که در رسانه ظهور می‌کند. اگر در گوشه‌ای از این جهان حادثه‌ای رخ دهد اما هیچ‌جا منعکس نشود، گویی در

۱. ون لون، یوست، *تکنولوژی رسانه‌ای از منظری انتقادی*، ترجمه احمد علیقلیان، تهران: همشهری، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۶۴.

۲. عبدالکریمی، بیژن، *رسانه‌ها ابزاری برای تولید حقیقت یا مرگ معنا*، ماهنامه سوره، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱، شماره‌های ۵۸ و ۵۹، ۲۷۳-۲۷۰، ص ۲۷۲.

۳. نک: ون لون، یوست، *تکنولوژی رسانه‌ای از منظری انتقادی*، ترجمه احمد علیقلیان، تهران: همشهری، چاپ اول، ۱۳۸۸.

جهان رسانه‌ای چنین حادثه‌ای از اساس روی نداده است. بر این مبنا، مرزهای جهان ما و مرزهای واقعیت را رسانه‌ها تعیین می‌کنند.

در یک چنین موقعیتی، می‌توان از «سواد رسانه‌ای» نیز به عنوان تلاشی یادکرد که ضمن تأکید بر عدم انفعال در برابر رسانه و پیام‌های رسانه‌ای، در پی تحقق فرهنگ تعامل با رسانه گام برمی‌دارد. به تعبیر بهتر، در مرکز گفتمان سواد رسانه‌ای و نیز آموزش رسانه، انسانی قرار دارد که قادر است در یک چنین جهانی که در آن رسانه‌ها نقش واسطه را دارند، از «استقلال» برخوردار باشد.^۱ در اتخاذ چنین رویکردی نسبت به ارزشمندی سواد رسانه‌ای، توانایی تحلیل و ارزیابی پیام‌های رسانه‌ای نقش محوری ایفا می‌کند. چراکه این همان توانایی‌ای است که «تفکر انتقادی» و خودمختاری شخصی^۲ را در برمی‌گیرد.^۳

گذشته از آنچه تاکنون در باب ضرورت بهره‌مندی از آموزش و تحقق فاعلیت هنجاری بیان شده است، ما نه صرفاً به منظور پاسداری از دو عنصر ضروری فاعلیت اخلاقی، یعنی خودمختاری و آزادی، بلکه به منظور پاسداری از سایر حق‌ها نیز به دانش و آگاهی احتیاج داریم؛ به‌عنوان مثال در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بهترین شیوه کاهش مرگ‌ومیر (فرضاً مرگ‌ومیر ناشی از بیماری ایدز) افزایش «سواد» است.^۴ به همین ترتیب می‌توان چنین استدلال کرد که در فضای رسانه‌ای کنونی که به‌واسطه تجهیز شهروندان به تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش فوق‌العاده تولید و انتشار اطلاعات و محتوای رسانه‌ای بیش از هر زمانی حق بر حریم شخصی و حق بر مالکیت معنوی به ویژه حقوق مربوط به کپی‌رایت را در معرض تهدید قرار داده است، سواد رسانه‌ای همان امکانی است که می‌تواند به‌واسطه تقویت آگاهی شهروندان از پیامدهای حقوقی و اخلاقی تولید و انتشار محتوای رسانه‌ای، حفاظت از حق بر حریم شخصی و احترام به حقوق مربوط به مالکیت معنوی افراد را به ارمغان آورد.^۵

همچنین عدم بهره‌مندی از مهارت‌های مربوط به تفکر انتقادی و حفاظت در برابر رسانه‌ها، دولت‌ها را به این سمت سوق می‌دهد تا به‌منظور حفاظت شهروندان از آسیب‌های رسانه‌ای به

1. *Public Policies in Media and Information Literacy in Europe, Cross-Country Comparisons*. Edited by Divina Frau-Meigs, Irma Velez and Julieta Flores Michel. Routledge, 2017, P 91.

2. Personal autonomy.

3. Tornero, J. M. P., "Media literacy—new Conceptualization, new approach". Op. Cit, p.107.

4. Griffin, J. (2008), op. Cit, p. 47.

5. *Media and Information Literacy, Policy and Strategy Guidelines*, published in 2013 by the United Nations Educational, SCIENTIFIC and Cultural Organization, op. cit, pp. 47-48.

سمت اعمال محدودیت بر رسانه‌ها و سایر منابع اطلاعاتی گرایش پیدا کنند که این به نوبه خود برای آزادی بیان و اطلاعات به عنوان یک حق بشری تهدید به شمار می‌آید.^۱

۲.۲.۲. تجهیز و توانمندسازی (حمایت از استفاده مؤثر و خلاقانه از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی)

اما آیا می‌توانیم مجموعه قابلیت‌هایی که ذیل سواد رسانه‌ای با حمایت از استفاده خلاقانه و مؤثر از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی متناظر است، را نیز به عنوان آنچه در راستای تحقق فعالیت‌های هنجاری در جهان رسانه‌ای ضرورت دارد، به شمار آوریم؟

به تعبیر کمیسیون اتحادیه اروپا، سواد رسانه‌ای در حال حاضر یکی از شرایط ضروری برای مشارکت مدنی و کاهش خطر محرومیت از زندگی اجتماعی تلقی می‌گردد و پیش شرطی برای تکرر گرایشی و استقلال رسانه‌هاست تا به وسیله آن افراد و گروه‌های مختلف دیدگاه‌ها و نظریات متفاوت خود را بیان کنند؛ زیرا برپایی دموکراسی نیازمند مشارکت فعال همه شهروندان در جامعه است.^۲

اتخاذ این رویکرد که حق‌های بشری بر شالوده «شخص بودن» یا «فاعلیت هنجاری» بنا می‌شوند، موجبی است تا در خصوص محتوای این حق‌ها با یک محدودیت واضح مواجه باشیم؛ به عبارت دیگر، مطابق این مبنا نمی‌توان ادعا کرد که ما از حق برداشتن هر چیزی که به تقویت یک زندگی انسانی و بالنده منجر خواهد شد بهره‌مندیم، بلکه صرفاً از حق‌هایی برخورداریم که برای حفاظت از جایگاه ما در مقام یک انسان ضرورت دارند؛ چراکه مطابق این مبنا، نباید حق‌های بشری را به عنوان ترتیباتی برای داشتن یک زندگی ایدئال، شاد و بالنده تلقی نمود. فرضاً شخص باید از ظرفیت لازم برای تصمیم مستقل و تعقیب یک زندگی شاد بهره‌مند باشد تا به موجب آن بتواند در راستای تحقق آنچه می‌پسندد گام بردارد و روشن است که در عین حال، این جمله با «حق برداشتن شادی» متفاوت است.^۳

یادآوری نکته مهم فوق، زمینه را برای طرح بصیرت‌تیزبینانه‌تری هموار می‌سازد و آن از این قرار است که هرگز نمی‌توان چنین نتیجه گرفت که چون امری به حوزه عدالت و انصاف

1. Ibid, p 84.

2. Recommendation on **Media Literacy in the Digital Environment for a More Competitive Audiovisual and Content Industry and an Inclusive Knowledge Society**, 2009, Available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32009H0625> (last visited: 2017-09-13).

3. Griffin, J. (2001), "first steps in an account of human rights", Op. Cit, p. 312.

تعلق دارد، پس لازم است تا به زبان حق بیان شود. حق‌های بشری تمام قلمروی عدالت را در برنمی‌گیرند؛ یعنی می‌توان حالتی را تصور کرد که اقتضای عدالت و انصاف تحقق امری دربارهٔ شخصی خاص باشد، اما این بدین معنا نیست که عدم تحقق آن امر، ضرورتاً نقض حقی بشری به شمار آید.^۱

بر این اساس، اگر قرار بر این باشد که بگوییم «برخی» از حق‌های بشری بر مبنای عدالت بنا می‌شوند، ناچاریم توضیح دهیم که این چه ملاحظه‌ای است که موجب می‌شود برخی از آنها مبنای حقوق بشر تلقی شوند و برخی دیگر خیر؟ پاسخ ما روشن است: نقشی که تأمین عدالت و انصاف مذکور در تحقق «فاعلیت هنجاری» و «شخص بودن» انسان ایفا می‌کند.^۲ توضیحات فوق به خوبی روشن می‌سازد که مطلوب بودن یک امر برای زندگی انسانی ابداً بدین معنا نیست که امر مذکور «باید» به واسطهٔ نهاد حق برای انسان‌ها تأمین شود.^۳

به همین ترتیب، با تکیه بر آن دسته از مهارت‌هایی که ذیل سواد رسانه‌ای بر استفادهٔ خلاقانه و مؤثر از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی ناظرند، سواد رسانه‌ای به مثابه امکانی است که شهروندی، کیفیت زندگی انسانی و توسعهٔ پایدار را بهبود می‌بخشد و برای توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است.^۴ تحقق گزاره‌های فوق با تجهیز «شهروندان» به سواد رسانه‌ای هدفی ستودنی و شایسته است، اما در مورد تحقق آن، همه چیز به شرایط جامعهٔ یادشده و فراهم بودن امکانات کافی اقتصادی ارتباط دارد.

۳. «تضمین» سواد رسانه‌ای در افق اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و نظام‌های حقوقی داخلی

در چهارچوب اتحادیه اروپا در دستورالعمل خدمات رسانه‌ای صوتی و تصویری^۵ به‌طور ویژه به نقش و جایگاه «سواد رسانه‌ای» اشاره شده است. در ساختار اتحادیه «دستورالعمل»^۶ نوعی قانون‌گذاری است که به موجب آن، کشورهای عضو مخاطب دستورالعمل ملزم می‌شوند تا نتیجهٔ

1. Griffin, J. (2001), "Discrepancies Between...", op. Cit, p. 14.

2. Ibid, PP 13-16.

3. Ibid, PP 25-26.

4. See: **Fez Declaration On Media And Information Literacy**, 2011. available at: <http://www.unesco.org>

5. **Audiovisual Media Services Directive/ 2010**, op. cit.

6. Directive.

معینی را برآورده سازند، اما شیوه‌های تحقق آن نتیجه به کشورهای عضو تحمیل نمی‌شود؛ به عبارت دیگر دستورالعمل درباره نتیجه خاصی که باید برآورده شود، الزام‌آور است، اما مقامات ملی در انتخاب شکل و شیوه‌های تحقق آن آزاد گذاشته می‌شوند.^۱ مطابق بند ۴۷ مقدمه دستورالعمل مذکور «تقویت سواد رسانه‌ای در همه بخش‌های جامعه باید در دستور کار قرار گیرد و پیشرفت آن به طور مرتبط پیگیری شود.» همچنین مطابق ماده ۳۳ دستورالعمل خدمات رسانه‌ای صوتی و تصویری، کمیسیون اتحادیه اروپا موظف است هر سه سال یک بار گزارشی را به منظور ارزیابی سطح سواد رسانه‌ای در همه دولت‌های عضو تنظیم و به شورا، پارلمان و کمیته اقتصادی و اجتماعی اتحادیه ارسال کند.

امروزه تقریباً در تمام کشورهای اروپایی، سواد رسانه‌ای (به‌عنوان نتیجه‌ی آموزش رسانه‌ای) در قالب موضوعی میان‌رشته‌ای خود را به‌عنوان بخشی از سیستم آموزشی مدارس تحمیل کرده است. اگرچه میزان اهمیتی که به آن به‌عنوان موضوعی درسی نسبت به سایر موضوعات داده می‌شود، در جاهای مختلف متفاوت است.^۲ در این میان، خارج از چهارچوب اروپایی، تقویت سواد رسانه‌ای باید از کانادا و ژاپن به‌عنوان کشورهایی که در آموزش «سواد رسانه‌ای» در مدارس پیش‌رو شناخته می‌شوند نام برد.^۳ در این میان لازم به اشاره است که در کشور ما، ایران، در سال ۱۳۹۰ شورای عالی فضای مجازی توسط عالی‌ترین مقام سیاسی، یعنی مقام رهبری، بر اساس مقتضیات زمان و به‌ویژه تأثیر فزاینده فضای مجازی و سایبری در زمینه‌های مختلف زندگی امروزی صادر شده است و بنا بر آنچه در فرمان تشکیل این شورا تصریح شده، «لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود». چهار سال پس از تشکیل شورای مزبور در سال ۱۳۹۴، مقام رهبری در حکمی دیگر اعضای جدید شورای عالی فضای مجازی را برای یک دوره چهارساله منصوب نمودند؛ این حکم حاوی ده دستور سیاست‌گذارانه در ارتباط با وظایف شورای عالی فضای مجازی است که در بند هفتم آن «ارتقای فرهنگ کاربری و سواد فضای مجازی»

1. Treaty on the Functioning of the European Union, Article 288.

2. Public Policies in Media and Information Literacy in Europe, Cross-Op. Cit, p. 97.

۳. نصیری، بهاره و سید وحید عقیلی، بررسی آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای کانادا و ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، بهار ۱۳۹۱، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۱۵۹-۱۳۷، صص ۱۴۶-۱۴۵.

مورد تصریح قرار گرفته است.^۱ اگرچه شورای مذکور تا به امروز مصوبه‌ای در این راستا نداشته است، از سال ۱۳۹۵ با مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی «تفکر و سواد رسانه‌ای» برای پایه دهم به‌طور رسمی وارد نظام آموزشی شد که با وجود ایرادات شکلی و محتوایی وارد بر آن می‌تواند آغاز خوبی برای آموزش‌های رسمی در این حوزه به‌شمار آید.^۲

امروزه در سطح اتحادیه اروپا بدون در نظر گرفتن چند استثنا، سیاست‌گذاری‌های ملی در باب سواد رسانه‌ای در همه کشورهای اروپایی حداقل در مرحله ابتدایی آن یافت می‌شود.^۳ با عنایت به آنچه در راستای امکان‌سنجی حق بر آستن سواد رسانه‌ای بیان شد، زمینه آماده است تا پیرامون رویکرد اسناد ملی این کشورها به سواد رسانه‌ای، بیان تازه‌ای داشت. مطالعه سیاست‌گذاری‌های داخلی پیرامون سواد رسانه‌ای ما را به این نتیجه می‌رساند که فارغ از همه تفاوت‌های موجود، «سواد رسانه‌ای به‌عنوان هدفی که باید تعقیب شود، حقی که برآورده شود و موضوعی که مورد تأمل قرار گیرد، در نظر گرفته شده است و همه پیش‌شرط‌های نمادین و تکنیکی لازم برای تقویت «خودمختاری» و «فاعلیت» مردم را در فرهنگ‌های رسانه‌ای که آنها زندگی می‌کنند، در برمی‌گیرد»؛ در این چهارچوب مشترک، اختلافات جزئی نیز وجود دارد که از تأکید متفاوت تعاریف رسمی از سواد رسانه‌ای در هر یک از کشورها، نسبت به عناصر تشکیل‌دهنده سواد رسانه‌ای ناشی می‌شود. این که کشوری در تعریف رسمی خود از سواد رسانه‌ای تأکید بیشتری بر یک عنصر نسبت به سایر عناصر تشکیل‌دهنده سواد رسانه‌ای داشته باشد، از اختلاف در سنت تاریخی کشورها در ارتباط با سواد رسانه‌ای نشئت می‌گیرد که موجب می‌شود در خط‌مشی ملی خود پیرامون سواد رسانه‌ای اولویت‌های متفاوتی داشته باشند.^۴

اما از سال ۲۰۱۱ باید به‌عنوان نقطه عطفی مهم در تاریخ سواد رسانه‌ای یاد کرد. اگرچه نخستین بار از سال ۱۹۸۲ «آموزش رسانه‌ای» به‌طور صریح در دستور کار یونسکو قرار گرفت؛ با این تأکید که لازم است دولت‌ها در راستای تقویت فهمی انتقادی از رسانه در میان شهروندان

۱. حکم تشکیل و انتصاب شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۰ و نیز حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای

مجازی، ۱۳۹۴، قابل مشاهده در <http://www.majazi.ir/>

۲. به منظور مشاهده متن کامل کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای» (ر.ک).

<http://www.chap.sch.ir/books/4358>.

۳. *Public Policies in Media and Information Literacy in Europe*, Op. Cit. p. 36.

۴. *Ibid*, P 100.

گام بردارند،^۱ اما در سال ۲۰۱۱ نخستین نشست بین‌المللی پیرامون سواد رسانه‌ای در پرتو تلاش‌های یونسکو و سازمان اسلامی علمی، فرهنگی، آموزشی،^۲ سازمان عربی آموزش برای کشورهای حوزه خلیج فارس^۳ و اتحاد تمدن‌های سازمان ملل متحد^۴ برگزار شد با بیش از دویست شرکت‌کننده از چهل کشور مختلف و پنج قاره، اعم از متخصصان و کارشناسانی از طیف متنوع رشته‌های علمی مانند سواد اطلاعاتی، سواد رسانه‌ای، روزنامه‌نگاران، جامعه‌شناسان، مطالعات رسانه‌ای و حقوق و همچنین نمایندگانی از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای. در اعلامیه Fez به‌عنوان نتیجه نخستین نشست بین‌المللی پیرامون سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، از سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر انفجار اطلاعات و ظهور تکنولوژی‌های ارتباطی جدید به‌عنوان «یک حق بشری بنیادین» یاد شده است.^۵

اعلامیه مذکور از جانب شرکت‌کنندگان از رؤسای کشورها در سراسر جهان، نظام ملل متحد به‌ویژه یونسکو، سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط، سازمان‌های غیردولتی، سیاست‌گذاران و فعالان جامعه درخواست می‌کند تا تلاش‌های خویش را در راستای ترویج سواد رسانه‌ای و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، بین منطقه‌ای و منطقه‌ای موردنیاز مبذول دارند. از جمله اقداماتی که در اعلامیه در راستای ترویج و تقویت سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به آن اشاره شده، عبارت است از: «گنجاندن سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در برنامه‌های آموزشی نظام آموزشی رسمی و غیررسمی به‌منظور تضمین حق هر شهروند به این نوع جدید از آموزش».^۶ به همین ترتیب، در اعلامیه مسکو پیرامون سواد رسانه‌ای اطلاعاتی در سال ۲۰۱۲^۷ و اعلامیه پاریس پیرامون سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در سال ۲۰۱۴^۸ ضمن تأکید بر اهمیت ابعاد مختلف سواد رسانه‌ای، از جمله لزوم احراز فرصت‌ها و چالش‌های ارائه‌شده به‌واسطه حضور مداوم تکنولوژی و رسانه‌ها در تمامی جنبه‌های زندگی انسانی که نوعی جدید از سواد را اجتناب‌ناپذیر

1. The Grunewald Declaration, 1982. available at: <http://www.unesco.org>

2. the Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization (ISESCO).

3. the Arab Bureau of Education for the Gulf States (ABEGS).

4. the United Nations Alliance of Civilizations (UNAOC).

5. Fez Declaration On Media And Information Literacy, 2011, op.cit.

6. Ibid.

7. The Moscow Declaration on Media and Information Literacy, 2012. available at: <http://www.unesco.org>

8. The Paris Declaration on Media and Information Literacy in the Digital Era. 2014. available at: <http://www.unesco.org>

می‌سازند، یکپارچه‌سازی تقویت سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در تمامی سیاست‌گذاری‌های ملی مربوطه اعم از آموزشی، رسانه‌ای، اطلاعاتی و فرهنگی، تقویت همکاری میان سازمان‌های دولتی، نهادهای آموزشی و سازمان‌های غیردولتی و لزوم حراست از حق آزادی بیان و آزادی اطلاعات و حریم شخصی و سایر اصول حقوقی و اخلاقی، برای تحقق اهداف موردنظر سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد بهترین راه ممکن برای زیستن در این شبکه اطلاعاتی که در سراسر محیط فرهنگی ما ریشه دوانده است، حفظ استقلال، اجتناب از انفعال، بهره‌مندی از تفکری منتقدانه و افزایش مهارت‌ها و توانایی‌ها در برخورد با این امواج فراگیر است. در چنین فضایی است که «سواد رسانه‌ای» به عنوان یکی از مهم‌ترین اقتضات زیستن در عصر اطلاعات ظهور می‌کند. به تعبیر بهتر، در مرکز گفتمان سواد رسانه‌ای و نیز آموزش رسانه، انسانی قرار دارد که قادر است در جهانی که رسانه‌ها در آن نقش واسطه را دارند، از «استقلال» برخوردار باشد.

بنابراین «حق برداشتن سواد رسانه‌ای»، حق بر داشتن میزانی از آگاهی، اطلاعات و مهارت پیرامون رسانه‌هاست که در جهان رسانه‌ای برای نیل به تصمیمی آگاهانه در باب انتخاب‌های مهم زندگی و شکل‌گیری فهم موردنظر ما از زندگی ارزشمند ضرورت دارد. آموختیم که بدین منظور لازم است تا افق‌های فکری انسان گسترده باشد و مرزهای اندیشه را درنوردد؛ به همین ترتیب در جهان رسانه‌ای نیز افزایش افق فکری انسان با افزایش افق فکری او در باب رسانه‌ها، کارکرد آنها، ارزیابی پیام‌های رسانه‌ای و آگاهی از تأثیرات رسانه‌ای پیوند می‌خورد.

اما آیا می‌توانیم دربارهٔ مجموعه قابلیت‌هایی که ذیل سواد رسانه‌ای با حمایت از استفادهٔ خلاقانه و مؤثر از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی متناظر است نیز چنین رویکردی اتخاذ کنیم؟ اتخاذ یک موضع میناگرایانه نسبت به حق‌های بشری که به موجب آن حق بر شالودهٔ مفهوم «شخص بودن» یا اصل «فاعلیت هنجاری» بنا می‌شود، موجب می‌گردد تا در حق نامیدن ادعاهای متفاوت فردی با یک محدودیت نظری بنیادین مواجه باشیم؛ به عبارت دیگر، مطابق این مینا نمی‌توان ادعا کرد که ما از حق برداشتن هر چیزی که به تقویت یک زندگی انسانی و بالنده منجر خواهد شد، بهره‌مندیم، بلکه صرفاً از حق‌هایی برخورداریم که در راستای حفاظت از شخص بودن انسان و جایگاه انسانی او در مقام موجودی که از توانایی‌های گزینشگری و انتخاب برخوردار است، ضروری‌اند.

باید اذعان نمود که امروزه در پرتو تلاش‌های یونسکو در آغاز حرکت جامعهٔ جهانی به سوی شناخت یک حق بشری تازه تردیدی وجود ندارد، اما از آنجایی که شناسایی آن به‌عنوان حقی مثبت، تعهد ایجابی دولت‌ها را به همراه دارد تا تحقق شناسایی و درج کامل این حق در اسناد حقوق بشری

مسیری در پیش است که پیمودن آن به‌طور ویژه با ترویج تحلیل‌های حق‌بنیاد روشن و اصولی از سوی حقوق‌دانان پیوند می‌خورد؛ مقاله حاضر را باید به‌مثابه چنین تلاشی فهم کرد.

فهرست منابع

منابع فارسی

کتاب

۱. جانسون، پ آ، **هایدگر**، ترجمه بیژن عبدالکریمی، تهران: نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲. ون لون، یوست، **تکنولوژی رسانه‌ای از منظری انتقادی**، ترجمه احمد علیقلیان، تهران: همشهری، چاپ اول، ۱۳۸۸.

مقاله

۳. هایدگر، مارتین، **پرسش از تکنولوژی**، ترجمه شاپور اعتماد، ارغنون، سال اول، ۱۳۷۳، شماره ۱.
۴. عبدالکریمی، بیژن، **رسانه‌ها ابزاری برای تولید حقیقت یا مرگ معنا**، ماهنامه سوره، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱، شماره ۵۸ و ۵۹.
۵. نصیری، بهاره و سید وحید عقیلی، **بررسی آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای کانادا و ژاپن**، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، بهار ۱۳۹۱، سال یازدهم، شماره ۴۱.

منابع انگلیسی

Books

6. Griffin, J. *On Human Rights*, Oxford: Oxford University Press, 2008.
7. Potter, J. *media literacy*, university of California, Santa Barbara, 2011, 5th edition.
8. *Public Policies in Media and Information Literacy in Europe, Cross-Country Comparisons*. Edited by Divina Frau-Meigs, Irma Velez and Julieta Flores Michel. Routledge, 2017.
9. Tornero, j. M. P, *Media literacy—new Conceptualization, new approach*. In u. Carlsson, s. Tayie, g. Jauinot-delaunay & j. M. Perez tornero (eds.) *Empowerment though media education—an intercultural dialogue* Goteborg, Sweden: nordicom, 2008.
10. *Media and information literacy, policy and strategy guidelines*, published in 2013 by the united nations educational, scientific and cultural organization, place de FONTENOY, France Communication and Information Sector.

Articles

11. Aroldi, P. and Francesca, M. Maria. "Media and Information Literacy Policies in Italy", *ANR TRANSLIT AND COST "TRANSFORMING AUDIENCES/TRANSFORMING SOCIETIES"*, 2014.
12. Audenhove, L. "Media and Information Literacy Policies in Belgium". *ANR TRANSLIT and COST "Transforming Audiences/Transforming Societies"* 2014.
13. Baker, F. "Celebrating National Literacy Month: Media Literacy", *School Library Media Activities monthly*, v 21, number 1, 50-51, 2004.
14. Fedorov, A. "on media education". *Moscow: ICOS UNESCO IFAP (RUSSIA), media education around the world: brief history*, 2008.
15. Griffin, J. "first steps in an account of human rights", *European Journal of Philosophy*, Volume 9, Issue .
16. Griffin, J. "Welfare Rights", *The Journal of Ethics*, Volume 4, Issue 1-2, 2000.
17. Griffin, J. "Discrepancies Between The Best philosophical Account Of Human rights And The International Law Of Human Rights", *In Proceedings Of The Aristotelian Society*, Vol. CI (1), 2001.
18. Hobbs, R. AND Tuzel, S. "Teacher motivations for digital and media literacy: An examination of Turkish educators", *British Journal of Educational Technology*, 2015.
19. Kotilainen, S. AND Kupiainen, R. "Media and Information Literacy Policies in Finland", *ANR TRANSLIT and COST "TRANSFORMING AUDIENCES/TRANSFORMING SOCIETIES"*. 2014.
20. Oguzhan, o. and Haydari, N. "The state of media literacy in Turkey", *Procedia Social and Behavioral Sciences* 15, 2011.
21. Schleicher, N. and Rétfalvi, G. "Media and Information Literacy Policies in Hungary", *ANR TRANSLIT and COST "Transforming Audiences/Transforming Societies"*, 2014.
22. STANILA, C. And FOTIADE, N. "Media and Information Literacy Policies in Romania", *ANR TRANSLIT and COST "Transforming Audiences/Transforming Societies"*, 2014.
23. Trültzsch-Wijnen, Christine W. "Media and Information Literacy Policies in Austria", *ANR TRANSLIT and COST "Transforming Audiences/Transforming Societies"*, 2014.

Documents

24. **Audiovisual Media Services Directive/** 2010. available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX%3A32010L0013>(last visited: 2017-09-13).
25. **Concept of Media Education in the Slovak Republic in the Context of Lifelong Learning**, December 2009. available at: <http://merlin.obs.coe.int/iris/2010/5/article40.en.html> (last visited: 2017-09-13).

26. European Parliament Resolution on **Media Literacy in a Digital World**, 2008.
available at: <http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=-//EP//TEXT+TA+P6-TA-2008-0598+0+DOC+XML+V0//EN>(last visited: 2017-09-13).
27. **Fez Declaration On Media And Information Literacy**, 2011,. available at: <http://www.unesco.org>
28. Law No. 6112 on the **Establishment of Radio and Television Enterprises**. available at: <http://www.cna.ro/The-Audio-visual-Law,1655.html> (last visited: 2017-09-13).
29. **Media Literacy Policy**, Broadcasting Authority of Ireland, 2017. available at: <http://www.bai.ie/en/bai-launches-media-literacy-policy/>(last visited: 2017-09-13).
30. **Paris Declaration on Media and Information Literacy in the Digital Era**, 2014.
available at: <http://www.unesco.org>
31. Recommendation on **Media Literacy in the Digital Environment for a More Competitive Audiovisual and Content Industry and an Inclusive Knowledge Society**, 2009. available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32009H0625>(last visited: 2017-09-13).
32. **The Moscow Declaration on Media and Information Literacy**, 2012. available at: <http://www.unesco.org>
33. **THE FINNISH GOVERNMENT'S CHILD AND YOUTH POLICY PROGRAMME 2007–2011**, Ministry of Education Department for Cultural, Sport and Youth. available at: <https://julkaisut.valtioneuvosto.fi/bitstream/handle/10024/78977/opm21.pdf?sequence=1>(last visited: 2017-09-13).
34. **the Framework Educational Program for Secondary General Education**, 2007. available at: www.nuv.cz/file/161_1_1/(last visited: 2017-09-13).
35. **The Moscow Declaration on Media and Information Literacy**, 2012. available at: <http://www.unesco.org>
36. **The Radio and Television Broadcasters Law**, article 30c. available at: <http://www.crta.org.cy/applications/assets/FINAL%20CONSOLIDATED%20LAW%2016.3.17.pdf> (last visited: 2017-09-13).
37. **The Moscow Declaration on Media and Information Literacy**, 2012. available at: <http://www.unesco.org>